

سبک زندگی و ترس از جرم در فضای مجازی

(مطالعه موردی شهرستان سمنان)

مهدی یعقوبی^۱، علی آجودانی^۲، محمد صالح اسفندیاری^۳ بهر آسمان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۱

چکیده

در پی مطرح شدن اندیشه های نظری در رابطه با این ایده که سبک زندگی و فعالیت های روزانه تاثیر مهمی در میزان بزه دیدگی دارد، پژوهش های متعدد جامعه شناختی و جرم شناسی به آزمون این فرضیه پرداختند. در همین راستا، پس از ورود مفهوم «ترس از جرم» به حوزه مطالعات جرم شناسی، تاثیر سبک زندگی بر ترس از جرم نیز مورد توجه قرار گرفت. در ابتدا عمده تحقیقات در حوزه ترس از جرم، فضای حقیقی را مد نظر قرار دادند. اما پس از رشد حوزه سایبر و دوزیست شدن انسان ها، ناگزیر این جنبه از زندگی نیز تحقیقات خاص خود را طلبید. بدین سان، امروزه پژوهش در زمینه جرایم اینترنتی و فضای سایبر، یکی از مهم ترین موضوعات تحقیقاتی را شکل می دهد. از همین رو، در پژوهش حاضر، با استفاده از روش پیمایش اجتماعی و با ابزار پرسشنامه، به بررسی رابطه میان سبک زندگی و فعالیت روزانه بر ترس از جرم پرداخته ایم. نمونه مورد مطالعه ۳۶۸ نفر از ساکنان شهرستان سمنان است که به روش نمونه گیری چند مرحله ای که دربردارنده روش های طبقه ای، خوشه ای و تصادفی ساده است، انتخاب شده اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میان سبک زندگی افراد و فعالیت های آنان در فضای سایبر و شبکه های اجتماعی از یک سو، و ترس از جرایم اینترنتی از سوی دیگر، رابطه معناداری وجود دارد. قابل ذکر است که بر اساس نتایج به دست آمده، نه تنها میزان فعالیت های منفی (رفتارهای پر خطر اینترنتی) بلکه میزان فعالیت های مثبت اینترنتی (استفاده از اینترنت و شبکه های اجتماعی برای کار و فعالیت های عادی) در ترس از جرایم اینترنتی تأثیر معناداری دارد. با این وجود میان

^۱ رئیس دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سمنان، دانشجوی دکتری

^۲ دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد

^۳ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه فردوسی مشهد و پژوهش گر همکار دفتر تحقیقات کاربردی

فرماندهی انتظامی استان سمنان، esfandiari@mail.um.ac.ir

متغیرهای جمعیت شناختی (به استثنای جنسیت) و ترس از جرایم در فضای سایبر، رابطه معناداری مشاهده نمی شود.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، فعالیت های روزانه، ترس از جرم، اینترنت، شبکه های اجتماعی.



مقدمه

زندگی انسان در دنیای امروزی دچار تحولات گسترده ای شده است. پیشرفت علم و تکنولوژی در حوزه های مختلف، کارکردهای بسیار مثبتی را در تعاملات اجتماعی و اقتصادی برای بشر فراهم کرده است. ایجاد فضای سایبر نیز در همین راستا قابل تفسیر است. با رشد فناوری در حوزه اینترنت و ارتباطات مجازی، بسیاری از فعالیت های افراد وارد این عرصه نو ظهور شد. اما مدت زمان مدیدی نگذشت که روی دیگر این سکه، یعنی عملکردهای منفی استفاده از فضای سایبر نیز خودنمایی کرد و فرصت های ارتکاب جرم در این فضای جدید بروز پیدا کردند. در چنین فرایندی، از یک سو استفاده از اینترنت سیر صعودی و رو به افزایشی گرفت و از سوی دیگر، انحراف و جرم در گونه های جدید گریبان گیر کاربران شد. نه تنها سؤاستفاده ها و ضررهای مالی این جرایم بلکه مشکلات و معضلات اجتماعی همچون ترس از جرم از آورده های محیط جدید زندگی انسان ها بود. در چنین شرایطی که خصیصه های مثبت و منفی این حوزه در هم تنیده شده اند، نه می توان کاملاً از آن دست کشید و نه می توان آن را به حال خود رها کرد. بنابراین تأکید بر جنبه های مثبت و مفید فضای مجازی و مبارزه با ویژگی های منفی آن از ملزومات استفاده از این عرصه جدید است.

بدون تردید، رشد روزافزون فعالیت های اینترنتی باعث شده تا یک جهان ثانوی به موازات دنیای واقعی نیز شکل گیرد. در این جهان سه بعدی که ساکنان مجازی آن انواع فعالیت ها را انجام می دهند، فرصت های جدید و بی پایانی نیز نمایان شده است. جامعه مجازی یک فضای باز است که در آن هر شخص می تواند هویت و شخصیت خود را ایجاد کند و در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرد، جایی که مردم می توانند انواع تعاملات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... را داشته باشند. این تعاملات امروزه آن چنان رشد کرده که می توان گفت انسان کنونی در دام مدرنیته و تکنولوژی گرفتار آمده است. از مهم ترین مصادیق این امر می توان به سلطه روزافزون فضای مجازی بر فضای حقیقی اشاره کرد؛ به گونه ای که امروزه شبکه اینترنت و حوزه سایبر (بویژه شبکه های اجتماعی) ذهن و اندیشه افراد را به کنترل خود در آورده است (جلالی، ۱۳۹۵: ۲). همان گونه که آمد، به تبع چنین پیشرفتی در فضای مجازی، فرصت های جدیدی برای ارتکاب جرم نیز فراهم شده است. این امر می تواند دلایل متعدد و گوناگونی داشته باشد؛ از جمله این که در این حوزه جهانی با هزینه نسبتاً کم و با گمنامی کامل می توان به فعالیت پرداخت. البته واضح است، آسیب هایی که کاربران می توانند به زندگی ثانوی وارد کنند محدود

به فضای مجازی نیست؛ زیرا تبعات آن به دنیای حقیقی افراد نیز رسوخ پیدا خواهد کرد. (agustina, 2015: 41) همین دوگانه بودن فضای سایبر است که باعث شده برخی محققان این جمله را در وصف آن صادق بدانند: «به نظر می رسد تغییر و تحول تکنولوژی هم خلاقیت و هم حماقت انسان را به حداکثر می رساند» (همان: ۳۸). زیرا از یک سو بسیاری از فعالیت های مثبت انسان از طریق اینترنت و فضای سایبر انجام می شود و از سوی دیگر، تالی فاسدش آن است که فرصت ارتکاب جرم و به تبع آن ترس از جرم را نیز به همراه دارد.

با وجود تحقیقات گوناگون از دهه شصت میلادی به این سو، هنوز پژوهشگران به تعریف واحدی در مورد ترس از جرم نرسیده اند. شاید بتوان گفت تعریف (لاگرانژ) (LaGrange) و فرارو^۴ (Ferraro) کامل تر از دیگر دیدگاه هاست؛ از نظر این دو، ترس از جرم واکنشی احساسی است که با دو ویژگی وحشت و دلهره نسبت به جرم و نمادهای آن مرتبط است (سیدزاده و کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). هر چند ترس از جهاتی مفید است و باعث می شود تا کاربران احتیاط های لازمه را انجام دهند، اما در عین حال، ترس از جرم، معمولاً باعث کاهش فعالیت های اجتماعی و مثبت جامعه می شود. ترس، فعالیت های مفید کاربران نظیر مبادلات اقتصادی و اجتماعی را محدود می کند و بر کیفیت زندگی تاثیر مخربی به جای می گذارد.

اهمیت و ضرورت پژوهش در زمینه ترس از جرایم اینترنتی زمانی دو چندان خواهد شد که رشد روزافزون فضای سایبر را در کشورمان مورد توجه قرار دهیم. امروزه اینترنت به طور خاص و فضای سایبر به طور عام، آن چنان با زندگی روزمره و فعالیت های اجتماعی عجین شده اند که می توان از دوزیست شدن انسان ها صحبت کرد.^۵ به موازات این تحولات، نوع جرایم نیز تغییرات شگرفی را به خود دیده است. به گونه ای که مجرمان و بزه دیدگان جدیدی بوجود آمده و به تبع آن، در سایر موضوعات مرتبط با این حوزه، ضرورت پژوهش های جدیدی لازم گردیده است. از سوی دیگر باید به این نکته توجه کنیم که یکی از مهم ترین موضوعات جدید در حوزه علوم جنایی و اجتماعی که اخیراً در بستر مطالعات بزه دیده شناسی بوجود آمده، نظریاتی است که نقش بزه دیده در فرایند ارتکاب جرم را مورد توجه قرار می دهند. تحت تأثیر

^۴ LaGrange, R. L., & Ferraro, K. F. (1987). The Elderly's Fear of Crime A Critical Examination of the Research. *Research on aging*, 9(3), 372-391.

^۵ زیست حقیقی و زیست مجازی یا سایبری، دوگانه شدن روابط و فعالیت اشخاص و به تبع آن، دوگانه شدن بزهکاری و بزه‌هدیدگی را بوجود آورده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۱۳).

این تحولات و ظهور اندیشه های جدید، امروزه مطالعه در حوزه بزه دیدگی جرایم سایبری و در همین راستا ترس از بزه دیده شدن در این نوع جرایم، از مهم ترین اولویت های پژوهش در قلمرو علوم جنایی و جامعه شناختی می باشد.

در نوشتار حاضر، سعی شده است تا با استفاده از تحقیق میدانی و با ابزار پرسشنامه، میزان ترس از جرایم اینترنتی در شهرستان سمنان مورد ارزیابی قرار گیرد. این سنجش، با توجه به یکی از مهم ترین نظریه ها یعنی «مدل و سبک زندگی»، که هم در تحقیقات جامعه شناختی و هم در پژوهش های جرم شناسی پرکاربرد است، انجام شده است. بدین سان، در قسمت اول، پیشینه تحقیق را ذکر خواهیم کرد. پس از آن، مبانی نظری را مورد مطالعه و بررسی قرار خواهیم داد. شیوه های گردآوری اطلاعات نظری و عملی و همچنین چگونگی بررسی داده ها را در قسمت سوم شرح خواهیم داد. در پایان، یافته های پژوهش در معرض داوری خواننده قرار خواهد گرفت.

۱. پیشینه تحقیق

هر چند در برخی رویکردهای مربوط به فضای سایبر، پژوهش هایی انجام شده است (البته همان طور که گفتیم، بیشتر این تحقیقات مربوط به حقوق کیفری با تاکید بر مجرمان این نوع جرایم و به صورت نظری انجام شده اند) اما در ارتباط با موضوع حاضر، که بر بزه دیدگان حوزه جرایم رایانه ای متمرکز است، مطالعه ای صورت نگرفته است. قابل ذکر است که کتب و مقالات موجود در حوزه ترس از جرم، عمدتاً توجه خود را بر ترس از جرایمی که در فضای واقعی رخ می دهد، متمرکز کرده اند که از مهم ترین تحقیقات میدانی و نظری انجام شده در موضوع ترس از جرم می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۱. پیشینه پژوهش در مطالعات داخلی

الف: پاک نهاد در مقاله «احساس ناامنی و ترس از جرم» بر این باور است که احساس ترس از جرم، یکی از معضلات جوامع امروزی می باشد. از نظر وی، فاکتورهایی همچون جنسیت، سن، تجربه بزه دیدگی و محیط زندگی، در بروز و همچنین افزایش ترس از جرم مؤثرند. پژوهش اخیر که به صورت نظری به ترس از جرم پرداخته است، وجود میزانی از ترس را در جامعه طبیعی و مفید می داند؛ زیرا این امر می تواند باعث تحریک افراد شود تا برای پیشگیری از بزه

دیدگی چاره ای بیندیشند. اما آنچه مشکل اصلی می باشد، ترس افراطی و غیرواقع گرایانه است که باعث می شود مردم خواهان مجازات های سرکوب گر باشند. بنابراین باید با آموزش های لازم به شهروندان، از قابلیت های جامعه محلی جهت کنترل بزهکاری استفاده شود تا میزان ترس از جرم نیز کاهش یابد. نگارنده نوشتار اخیر معتقد است با افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در برنامه های پیشگیرانه جامعه مدار، بی تفاوتی آنان نسبت به معضلات اجتماعی از بین می رود و این امر موجب افزایش همبستگی اجتماعی در جامعه و در همین راستا باعث کاهش احساس ترس در جامعه می شود (پاک نهاد، ۱۳۹۲).

ب : سید زاده و کرمانی در مقاله «ترس از جرم در مشهد؛ میزان و عوامل»، به بررسی و مقایسه میزان ترس از جرم در مناطق ۴ و ۹ مشهد پرداخته اند. یافته های این تحقیق حاکی از آن است که ترس از جرم در میان افراد منطقه ۴، که از سطح توسعه بالاتری برخوردارند، بیش از افراد منطقه ۹ است. متغیرهای که برای سنجش میزان ترس از جرم در این پژوهش بکار گرفته شده است، عبارت اند از: بی سازمانی اجتماعی، عدم رضایت از پلیس، تنوع خرده فرهنگی، تجربه بزه دیدگی، پیوند اجتماعی و رسانه (سید زاده و کرمانی، ۱۳۹۲).

ج : عبدالمالکی و همکاران در مقاله «تبیین جامعه شناختی ترس از جرم در شهر تهران» با مطالعه ای میدانی نشان داده اند که بیشترین ترس پاسخ گویان نسبت به سرقت وسایل نقلیه همچون اتومبیل و موتور سیکلت و سرقت از منزل می باشد. از منظر نویسندگان تجربه بزه دیدگی، بی نزاکتی در محله، نوع نگرش نسبت به پلیس، انسجام محله ای و خطر درک شده با ترس از جرم رابطه ی معنادار دارند (عبدالمالکی و همکاران، ۱۳۹۶).

د : قابل ذکر است که در موضوع جرایم اینترنتی و فضای مجازی تحقیقاتی انجام شده است که البته موضوع آنان میزان بزه دیدگی و ترس از جرم نبوده است. اما به گونه ای با تحقیق حاضر مرتبط اند؛ به عنوان مثال، پورنقدی در پژوهشی با عنوان «آسیب شناسی کاربرد اینترنت و تهدیدات فضای مجازی» با استفاده از ابزار پرسشنامه، به بررسی استفاده از فیلترشکن برای ورود به سایت های بسته و عضویت در شبکه اجتماعی فیس بوک در میان دانشجویان پرداخته است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که بیش از ۷۴ درصد دانشجویان از فیلتر شکن

استفاده می کنند و بیش از ۶۹ درصد عضو فیس بوک هستند. در ارتباط با تهدیدات بالقوه ای که اینترنت در زندگی دانشجویان دارد، تحقیق اخیر نتیجه می گیرد که بایستی نقش نیروی انتظامی در پیشگیری و آموزش استفاده از اینترنت بیش از پیش تقویت شود (پورنقدی، ۱۳۹۱).

۵ : احمدی و عربی در پژوهش خود، به روش پیمایش اجتماعی و بوسیله پرسشنامه، به بررسی رابطه میان ساختار محله ای و ترس از جرم در شهر کرج پرداخته اند. نتایج این تحقیق نشان می دهد که محیط فیزیکی محله های شهر عامل بسیار مهمی در میزان ترس از جرایم ساکنان است. به عبارت دیگر، این موضوع بیان گر آن است که فاکتورهای بی سازمانی در محله ها می تواند به طور مستقیم بر نرخ جرم، رضایت از پلیس و سطوح ترس از جرم میان شهروندان در فضای شهر تاثیر بگذارد (احمدی و عربی، ۱۳۹۲).

و : سراج زاده و گیلانی در مقاله «بی سازمانی اجتماعی و ترس از جرم (مطالعه مقایسه ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)» با روش پیمایش نمونه ای ۳۰۰ نفره، به بررسی میزان ترس از جرم، در دو منطقه از شهر تهران که از لحاظ بی سازمانی اجتماعی و فیزیکی در دو وضعیت متفاوت اند، پرداخته اند. نویسندگان از یک سو، با استفاده از دو بُعد احساس امنیت و نگرانی از جرم به سنجش متغیر ترس از جرم پرداخته و از سوی دیگر، متغیر بی سازمانی را با ابعاد بی نظمی اجتماعی، نگرانی اجتماعی، تنوع خرده فرهنگی، پیوندهای محله ای و دلبستگی محلی سنجیده اند. یافته های این تحقیق نشان داده است که ترس از جرم ساکنان منطقه ۱۲ که دارای آشفتگی و بی نظمی های مشهود فیزیکی و اجتماعی بودند، بیش از منطقه ۳ می باشد. به عبارت دیگر، تمام ابعاد بی سازمانی با ترس از جرم رابطه معناداری داشتند (سراج زاده و گیلانی، ۱۳۸۸).

۲-۱. پیشینه پژوهش در مطالعات خارجی

در کشورهای توسعه یافته، پژوهش های مربوط به ترس از جرایم سنتی از دهه ۱۹۶۰ رونق گرفتند؛ به گونه ای تا سال ۱۹۹۰ بیش از دویست مقاله و کتاب در این باره نگاشته شد. (Alshalan, 2006:6) اما به طور خاص در ارتباط با ترس از جرایم اینترنتی کارهای معدودی انجام شده است که از میان آنان می توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف : عبدالله الشلان^ع در رساله دکتری خود (رشته جامعه‌شناسی؛ دانشگاه دولتی می‌سی‌سی‌پی)، به بررسی فاکتورهای مؤثر در بزه‌دیدگی استفاده‌کنندگان از اینترنت در امریکا پرداخته است. وی به طور مشخص، عوامل تأثیرگذار در بزه‌دیدگی، از طریق ویروسی شدن وسیله الکترونیکی، بزه‌دیدگی در سایر جرایم فضای سایبر و نهایتاً میزان ترس از بزه‌دیدگی در فضای سایبر را مورد توجه قرار داده است. وی چارچوب نظری خود را دیدگاه فعالیت روزمره و مطالعات انجام شده در حوزه ترس از جرم، قرار داده است. یافته‌های این تحقیق، حاکی از آن است که بزه‌دیدگی در ویروسی شدن کامپیوتر و بزه‌دیدگی در سایر جرایم فضای سایبری با نظریه فعالیت روزمره قابل توجیه است. از نگاه این پروژه، «در معرض خطر قرار گرفتن» و «هدف مناسب بودن» از مهمترین عوامل بزه‌دیدگی افراد در فضای سایبر می‌باشد. همچنین در این پژوهش، میزان بزه‌دیدگی، جنسیت و خطر درک شده بوسیله فرد، از فاکتورهایی بودند که کاملاً بر میزان ترس از جرایم اینترنتی مؤثر شناخته شدند. (Alshalan, 2006)

ب : آگوستینا در مقاله «درک بزه‌دیده‌شناسی سایبر : ساختار مجازی و اثر عدم بازداری»^ه به تبیین رابطه بزه‌دیدگی و سبک زندگی افراد می‌پردازد. نویسنده معتقد است، پویایی جرم و بزه‌دیدگی، یک فرایند متمایز از تحولات حاصل در عصر دیجیتال نیست. از نگاه این محقق، رفتار قربانیان در فضای سایبر مسلماً خطر بزه‌دیده‌گی را افزایش می‌دهد. آگوستینا علل این امر را این‌گونه شرح می‌دهد: «ساختار محیط مجازی به طور ویژه‌ای فرصت‌های مجرمانه را افزایش می‌دهد و قربانی شدن در جرایم سایبری را تسهیل می‌کند. یعنی ویژگی‌های فضای سایبر زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آنها را به پذیرش سبک زندگی پرخطر متمایل می‌کند». نویسنده براساس نظریه فعالیت‌های روزانه و تئوری شیوه زندگی، اهمیت نگرش بزه‌دیده‌شناسی را در شرح وقایع جنایی سایبری و طراحی استراتژی‌های پیشگیری از آن نشان می‌دهد. وی در پایان به توصیف مجموعه‌ای از صفات روانشناسانه و جامعه‌شناسانه‌ای که

^عAbdullah Alshalan

^هA Dissertation Submitted to the Faculty of Mississippi State University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Sociology in Department of Sociology, Anthropology, and Social Work. Mississippi State University.

^اAgustina, Jose R. "Understanding Cyber Victimization: Digital Architectures and the Disinhibition Effect." *International Journal of Cyber Criminology* 9.1 (2015): 35.

خصیصه قربانیان است، می پردازد و توضیح می دهد که چگونه محیط اطراف، افکار و خواسته ها، افراد را تحت تاثیر قرار می دهند. (agustina, 2015)

ج : برادفورد و همکاران^۹ در مقاله ای با عنوان «بکارگیری نظریه فعالیتهای روزانه و سبک زندگی در بزه دیدگی کمین سایبری» به بررسی چرایی بزه دیدگی قربانیان جرم کمین اینترنتی با توجه به شیوه و مدل زندگی آنان پرداخته اند. (کمین سایبری به معنای دنبال کردن یک فرد در اینترنت بویژه در شبکه های اجتماعی و ارسال پیام های مکرر و تهدید قربانی می باشد). نتایج پژوهش اخیر حاکی از آن است که به طور کلی نوع زندگی افراد می تواند پاسخی به چرایی وقوع بزه دیدگی باشد. از منظر این تحقیق، دلایل زیر باعث بزه دیدگی شده است: الف: در معرض مجرمان قرار گرفتن. ب: رابطه مثبتی میان فقدان محافظت و بزه دیدگی وجود دارد. د: جذابیت هدف نیز احتمال بزه دیدگی را افزایش می دهد. به عنوان مثال، تصمیمات و رفتارهایی همچون پذیرفتن دوستی با افراد غریبه در فضای آنلاین که باعث ورود مجرمان بانگیزه به حریم خصوصی افراد می شود، می تواند منجر به بزه دیدگی آنان گردد. در مجموع، نتایج این مطالعه نشان می دهد که دیدگاه فعالیت روزانه و سبک زندگی، توانایی توجیه بزه دیدگی کمین سایبری را دارا می باشد (Bradford, et al, 2011)

د : دیوید وال، در مقاله «جرایم سایبری و فرهنگ ترس از جرم» به بررسی این موضوع می پردازد که چگونه گزارش های روزانه درباره زندگی در شبکه های اینترنت، واکنش های عمومی نسبت به تحولات تکنولوژی را شکل می دهد. از نگاه نویسنده، چنین واکنش هایی باعث افزایش فرهنگ ترس از جرایم سایبری خواهد شد که به نوبه خود باعث شکل گیری انتظارات عمومی نسبت به ایجاد قانون و همچنین تفسیر خاص از اجرای عدالت خواهد شد. در این مقاله همچنین افسانه ها و داستان های متعدد که به طور قابل توجهی در ارتباط با جرایم سایبری

^۹. Reyns, Bradford W., Billy Henson, and Bonnie S. Fisher. "Being pursued online: Applying cyber lifestyle –routine activities theory to cyber stalking victimization." *Criminal justice and behavior* 38.11 (2011): 1149-1169.

^{۱۰}Wall, David S. "Cybercrime and the culture of fear: Social science fiction (s) and the production of knowledge about cybercrime." *Information, Communication & Society* 11.6 (2008): 861-884.

رایج هستند، مورد شناسایی قرار گرفته است. از نگاه نویسنده گفتمان حاکم بر این افسانه ها، منشأ تنش های متعدد در تولید دانش جرم شناسانه ای می باشد که به حفظ آن افسانه ها و روایت ها نیز کمک می کند. (Wall, 2008)

ه : برمیک در مقاله خود با عنوان «مطالعه اینترنتی: تهدیدات سایبر و ترس و آگاهی نسبت به جرم سایبری»^۱ به بررسی تهدیدات جرایم سایبری در کشور اسلوانی می پردازد. برمیک معتقد است افزایش جرایم اینترنتی پیامد افزایش فعالیت های اینترنتی و گسترش فضای مجازی است. از نگاه او، اطلاعات کاربران اینترنتی در ارتباط با خطرهای فضای مجازی و همچنین در مورد چگونگی ارتقای امنیت سایبری، بسیار پایین است. از دیگر عواملی که تهدیدات فضای سایبر را افزایش می دهد، عدم آگاهی کاربران از قوانین مربوط به این حوزه است. برمیک به منظور سنجش دقیق دانش اینترنتی کاربران، با استفاده از پرسشنامه، به ارزیابی آگاهی و همچنین به سنجش میزان ترس از جرم استفاده کنندگان از فضای مجاز پرداخت. نتایج مطالعه وی بر این مطلب تأکید دارد که هر میزان دانش کاربران از خطرات فضای سایبر بیشتر باشد، آنان امنیت خود در مقابل این تهدیدات افزایش می دهند، بدین سان میزان ترس از بزه دیدگی آن ها در فضای سایبر کاهش می یابد (Bernik, 2012)

و : هنسون در رساله دکتری خود با عنوان «ترس از جرم آنلاین: بررسی تأثیرات بزه دیدگی آنلاین و خطر درک شده بر ترس از بزه دیدگی کمین سایبری»^۲ به سنجش میزان ترس از بزه دیدگی کمین سایبری (تعقیب و آزار و اذیت از طریق اینترنت) در میان دانشجویان دانشگاه سن سیناتی پرداخته است. نویسنده ی تحقیق اخیر، نتیجه گرفته است که بسیاری از افرادی که بزه دیدگی را در فضای سایبر تجربه کرده اند، ترس از جرم آنان نسبت به افرادی که فاقد بزه دیدگی می باشند، بیشتر است. از نظر وی، جنسیت، وضعیت ارتباطی، نوع مجرم و تعداد دفعات تعقیب تأثیر عمده ای در میزان ترس از قربانی شدن کمین سایبری دارد. بدینسان این پژوهش

^۱Bernik, Igor. "Internet Study: Cyber Threats and Cybercrime Awareness and

Fear." *International Journal of Cyber Warfare and Terrorism (IJCWT)* 2.3 (2012): 1-11.

^۲Henson, Billy. *Fear of crime online: Examining the effects of online victimization and perceived risk on fear of cyberstalking victimization*. Diss. University of Cincinnati, 2011.

به اثبات می‌رساند دو متغیر تجربه بزه دیدگی و خطر درک شده رابطه معناداری با میزان ترس در فضای سایبر دارند. (Henson, 2011) همان گونه که می‌بینیم، اگر چه تحقیقاتی نسبتاً مشابه پژوهش ما در خارج از کشور انجام شده است، اما با توجه به آن که پژوهش میدانی در ارتباط با ترس از جرایم اینترنتی در کشورمان صورت نگرفته، تحقیق حاضر که به بررسی این پدیده در شهر سمنان می‌پردازد، می‌تواند آغازی برای پژوهش در این قلمرو باشد. با انجام پژوهش حاضر و در همین راستا، با تشخیص میزان ترس از جرم و نیز میزان بزه دیدگی در جرایم اینترنتی، می‌توان تصمیمات و برنامه‌های دقیق تری را برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در این زمینه اتخاذ نمود.

۲. چارچوب نظری

مهم‌ترین تحقیقات در حوزه ترس از جرم، در ابتدا حول محور ترس از جرایم شدید و خیابانی همچون قتل و سرقت بودند. دلیل این امر آن بود که جرایم اخیر نمود بالایی در جامعه دارند. البته قابل ذکر است، مطرح شدن ترس از جرم به عنوان یک مسئله، صرفاً به دلیل افزایش میزان جرم نبوده است، بلکه تأثیر تحولات اقتصادی و سیاسی و به تبع آن تغییر ارزش‌ها، نیز آشکارا در این موضوع دخالت داشته است (فارال و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳). اما با گسترش فضای سایبر و در همین راستا، افزایش جرایم در این حوزه^{۱۳} به نظر می‌رسد مفهوم ترس به قلمرو این نوع جرایم نیز نفوذ کرده است. به فرض وجود پدیده ترس، در حوزه جرایم سایبری، این امر می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد. در پژوهش حاضر، ما در پی آنیم تا تأثیر سبک زندگی را بر میزان بزه دیدگی و ترس از جرایم در حوزه سایبر، در شهر سمنان مشخص نماییم. همان گونه که می‌دانیم، بزه دیده واقع شدن و ترس از جرم (هم در محیط واقعی و هم در فضای سایبر) می‌تواند تأثیر مهمی در کیفیت زندگی اشخاص، و به همین ترتیب در سبک زندگی آن‌ها داشته باشد. از سوی دیگر، آنچه برای ما مسئله است و در پی سنجش آنیم، عکس این قضیه است؛ یعنی به دنبال بررسی این مسئله هستیم که آیا سبک زندگی افراد و نوع فعالیت‌های روزانه آنان در ارتباط با فضای مجازی، آن‌ها را در معرض بزه دیدگی و ترس از جرایم اینترنتی

^{۱۳} از خصایص جرایمی که در فضای سایبر رخ می‌دهند، می‌توان به مواردی همچون، آسانی ارتکاب، گمنام و ناشناس ماندن نسبی مرتکبان و جهانی بودن گستره ارتکاب بزه اشاره کرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۳).

قرار می دهد؟ بدین سان روشن است که چارچون نظری است پژوهش، نظریه سبک زندگی می باشد.

۲-۱. نظریه سبک زندگی (Life style model)

مطالعه قربانی جرم، روابط او با مجرم و تأثیر عملکرد وی در تحقق پدیده مجرمانه از مهم ترین موضوعاتی است که افق تازه ای را در تحقیقات جرم شناسی و جامعه شناختی گشوده است. در نتیجه این رویکرد، شخصیت، خصوصیات اجتماعی و فرهنگی بزه دیده، روابط او با بزهکار و در نهایت نقش و سهم او در تکوین جرم مدنظر قرار می گیرد (زینالی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). در نظریه سبک زندگی، که برای اولین بار توسط لارنس کوهن و مارکوس فلسون^۴ مطرح شد، پرسش اصلی آن است که چرا برخی افراد بیش از دیگران در خطر بزه دیده گی قرار می گیرند؟ پاسخ این است که شیوه زندگی افراد به نرخ هایی متفاوت از مجرم زایی می انجامد. این شیوه های زندگی بوسیله فعالیت های روزانه در زمینه کاری و تفریحی شکل می گیرد.^۵ طبق این نظریه، به هر میزان که یک فرد شیوه زندگی بازتری داشته باشد یعنی فعالیت های شغلی و تفریحی و اوقات فراغت وی بیشتر باشد احتمال بزه دیده شدن او بیشتر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۸۰). شیوه های زندگی بوسیله عواملی چون نقش های اجتماعی که بوسیله مردم در جامعه ایفا می شود، نوع فعالیت هایی که فرد انجام می دهد و نهایتاً تصمیم در مورد اینکه چه رفتارهایی برای فرد مطلوب است، نگریسته می شود^۶ (همان). همان گونه که می دانیم، اساس نظریه سبک و شیوه زندگی برای پاسخ به چرایی بزه دیدگی برخی افراد در مقایسه با سایرین می باشد. اما پس از ورود مفهوم «ترس از جرم» به مباحث جرم شناسی، همان گونه که در پیشینه

^۴Lawrence Cohen and Marcus Felson

^۵Cohen, L. E., & Felson, M. (1979). Social change and crime rate trends: A routine activity approach. *American sociological review*, 588-608.

^۶ در ارتباط با نقش و تأثیر بزه دیده بر بزه دیدگی او به طور کلی دو گروه را می توان از هم متمایز کرد. الف: بزه دیدگان واقعی؛ منظور کسانی است که عامل بزه دیدگی خود نبوده اند و تنها اسیر خواست مجرمانه بزهکار شده اند. در واقع، در اینجا رفتار بزه دیده محرکی برای جذب بزهکار نبوده است؛ بلکه صرفاً به دلیل قرار گرفتن در موقعیت بزهکاری، قربانی واقع شده است (زرخ، ۱۳۸۹: ۱۳۲). ب: بزه دیدگان مؤثر بر بزه دیدگی؛ این گروه از بزه دیدگان، افرادی هستند که آگاهانه یا ناآگاهانه محرک بزه دیده گی خود می شوند (همان: ۱۳۳).

تحقیق مشاهده کردیم، از این نگرش، امروزه برای سنجش میزان ترس از جرم، نیز استفاده می شود.

فلسون در پی ارائه یک نظریه مبتنی بر این ایده است که جرم، پدیده ای طبیعی است. از نظر او مجرمان افرادی عادی اند که جرم هایی معمولی را مرتکب می شوند. جرایم معمولاً پاسخی نسبت به «عرضه شدن» موقعیت های ارتکاب جرم می باشند. بنابراین، وقتی کالا در دسترس افراد و بدون محافظت باشد، احتمالاً جرم انجام خواهد شد. از این منظر، بزهکاران افرادی عقلانی هستند که در خصوص فرصت های روزمره ای که به آن ها عرضه می شود، تصمیم های عقلانی می گیرند. آن ها افراد عجیب و غریبی نیستند و انگیزه های عجیب و غریبی ندارند (والک لیت، ۱۳۸۶: ۷۵). پس نظریه فعالیت روزمره در پی توضیح انگیزه وقوع جرم نیست (همان)؛ زیرا آنچه که مدنظر وی می باشد، بزه دیده می باشد و نه مجرم. به عنوان مثال، این نظریه در پی پاسخ به این پرسش است که نوجوانان در زندگی روزمره خود چه فعالیت ها و برنامه هایی دارند که ممکن است به بزه دیدگی آنان بینجامد؟ علت اینکه بسیاری از نوجوانان وقت خود را در فضای سایبر و شبکه های اجتماعی می گذارند چیست؟ شاید برای نسلی که در فضای مجازی رشد یافته اند بتوانیم این سخن را مطرح کنیم: «من پست می گذارم، من بلاگ می سازم، پس من هستم». بنابراین، واقعیت آن است که نوجوانان امروزه ساعات زیادی از روز را مابین پیامک، واتساپ، تویتر، تلگرام، فیسبوک و شرکت در شبکه های اجتماعی یا چت می گذرانند و متصل به تلفن همراه خود هستند (agustina, 2015: 44) به عبارت دیگر توجه به شیوه زندگی، پاسخی برای چرایی قربانی شدن و در همین راستا ترس از جرم می باشد.

اندیشه دیگری که در راستای نظریه مدل و سبک زندگی است و در واقع مکمل آن می باشد، نظریه فعالیت روزانه یا فعالیت جاری و عادی (Routine activity) می باشد. منظور از فعالیت جاری یا عادی، هر نوع فعالیت اجتماعی است که برای برآوردن نیازهای پایه و اساسی انجام می گیرد مثل کار، تفریح و...؛ نظریه فعالیت روزانه در مقام پاسخ به این سوال است که چه عواملی تمایل به ارتکاب جرم را مساعد می کند. بحث این است که آیا موقعیت و شرایط سیبل (بزه دیده)، ارتکاب جرم و تعرض به آن سیبل را مساعد می کند؟ نظریه فعالیت روزانه بیشتر به اوضاع و احوال یا شرایط مادی ارتکاب جرم و به عبارت دیگر آنچه ما شرایط مشرف بر ارتکاب جرم می نامیم، توجه دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۸۱). بنابراین، از منظر این نظریه ها، بزه دیدگی و ترس از جرم، نتیجه مشکلات اجتماعی یا ضعف نهادهای اجتماعی نیست، بلکه در

واقع نتیجه فقدان کنترل اجتماعی است. یعنی افراد در برخی فعالیت‌ها و مشاغل احتیاطات لازم را به خرج نمی‌دهند و خود را در برابر جرم محافظت نمی‌کنند (همان: ۸۳)، و همین امر به بزه‌دیدگی آنان می‌انجامد. البته برخی معتقدند که تنها یک رکن از نظریه سبک زندگی در تحقق جرایم سایبری نقش مهمی دارد و آن فقدان حفاظت است و دو عامل دیگر، یعنی، مجرم تحریک شده و هدف مناسب، تأثیری آن‌چنانی ندارند. (Yar, 2005: 412) از نگاه این پژوهش‌گران، هدف در فضای سایبر امری مفروض است. یعنی هر زمان فردی به اینترنت متصل شود، سبب جذب مجرمان سایبری می‌شود و بزه‌دیده واقع شدن بیش از آنکه وابسته به بزه‌دیده باشد، مرتبط با توانمندی‌های بزهکار سایبری است (زرخ، ۱۳۸۹: ۱۴۶). به نظر ما این موضوع نمی‌تواند در مورد همه جرایم سایبری صدق کند. به عنوان مثال، اگر چه این امر در مواردی همچون ویروسی کردن رایانه صادق است، اما در بسیاری از جرایم همچون کلاهبرداری و منتشر کردن عکس خصوصی، ویژگی‌های هدف مناسب و در دسترس بودن آن، از مهم‌ترین دلایل بزه‌دیده‌شدن و به عبارت دیگر، از فاکتورهای مهم جذب بزهکاران سایبری است. بنابراین، فارغ از رکن فقدان حفاظت که دلیل اصلی بزه‌دیده‌شدن است، «هدف مناسب» نیز از موارد با اهمیت است. بنابراین میزان و نوع عملکرد افراد در سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی در تسهیل بزه‌دیدگی آنان موثر است (همان: ۱۴۷).

قابل ذکر است که هر چند تمرکز تحقیق ما بر بزه‌دیدگان فضای سایبر است، اما چنین نگرشی نباید باعث عدم توجه به فضای کلی این عرصه و مجرمان این نوع جرایم شود. در واقع، شناخت بیشتر از حوزه خاص جرایم سایبری در تبیین بحث کمک قابل توجهی می‌کند. بنابراین در این قسمت اشاره مختصری به این موضوع خواهیم داشت. سولر^{۱۷}، در حالی که ویژگی‌های روان‌شناسانه فضای سایبر را توسعه می‌دهد، عناصر ذیل را به عنوان خصیصه‌های این حوزه بر می‌شمارد: الف- ناشناس ماندن: امکان ناشناس ماندن شیوه‌ای است که شخص می‌تواند تضمین کند فعالیت‌های آنلاین او با تعاملات زندگی حقیقی او همراه نخواهد بود. به عبارت دیگر، این امر جدا کردن دو هویت فرد می‌باشد. ب- ناپدیدگی: این واقعیت که مردم به

^{۱۷} به نقل از زرخ، ۱۳۸۹: ۱۴۵

Suler, John. "The online disinhibition effect." *Cyber psychology & behavior* 7.3 (2004): 321-326.

صورت ناشناس و محرمانه می‌توانند وارد وب‌سایت‌ها و چت‌روم‌ها شوند، به آنها جرأت برای وارد شدن به سایت‌هایی را می‌دهد که در صورت مشخص بودن هویت آنها، به دلیل شرم و عواقب آن، هرگز از آن وب‌سایت‌ها بازدید نمی‌کردند. ج- غیرهم‌زمانی: در فضای مجازی تعاملات الزاماً در زمان واقعی به وجود نمی‌آیند. به عنوان مثال، شما برای کامنت گذاشتن در زیر یک پست، فرصت بسیاری دارید. این امر باعث می‌شود وقت بیشتری برای فکر کردن و بهتر کردن راهی برای نشان دادن خود فراهم شود. در نتیجه این فضا امنیت بیشتری به نوجوانان می‌دهد. از سوی دیگر، چنین سازوکاری، شرایطی را تسهیل می‌کند که در یک لحظه آنی، یک فرد پیامی می‌نویسد که بسیار شخصی، خصمانه یا از روی هیجان است. د- روانکاوی درون‌گرا: ثمره فقدان اطلاعات قابل اعتماد درباره شخصی که از طریق فضای مجازی با وی در ارتباط هستیم، می‌تواند باعث ایجاد اثر روانی از طریق اختصاص ویژگی‌های خیالی به وی شود. به عبارت دیگر، توهنات تخیل، که می‌تواند در زندگی واقعی رخ دهد، به طور قابل ملاحظه‌ای در حوزه آنلاین افزایش می‌یابند. (agustina, 2015: 43) در مجموع، این ویژگی‌های فضای خاصی را ایجاد کرده است که از یک سو رغبت برای ورود به آن زیاد و از سوی دیگر تهدیدهایی نیز با آن همراه می‌باشد. برای توجیه چنین خطراتی، نظریه سبک زندگی در پی توضیح این امر است که چگونه رفتارهای معمولی و روزمره زندگی، ما را در معرض بزه دیدگی قرار می‌دهد. تحقیقات نشان داده است، همین موضوع می‌تواند در فضای آنلاین نیز صدق کند. در واقع، تصمیمات و رفتارهای افراد در فضای سایبر، بخصوص تصمیماتی که باعث می‌شود مجرمان با انگیزه وارد حریم خصوصی افراد شوند مانند قبول کردن دوستی افراد غریبه- قابلیت بزه دیده شدن افراد را بالا می‌برد (Reyns, et al, 2011: 1164) و همین امر ممکن است یکی از دلایل ترس از جرایم در فضای سایبر هم باشد.

بنا به آنچه آمد، استفاده از نظریه سبک زندگی و فعالیت روزمره برای سنجش بزه‌دیدگی و ترس از جرایم اینترنتی به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که چگونه برخی از تصمیمات و رفتارها در فضای مجازی باعث بزه‌دیدگی و در همین راستا موجب ترس از بزه‌دیدگی می‌شود. به عبارت دیگر، در این چارچوب نظری، می‌توان تغییر در نرخ بزه‌دیدگی و ترس از جرایم اینترنتی را با تحولاتی که در فعالیت‌های روزمره و سبک زندگی اتفاق می‌افتد، نشان داد. (Alshalan, 2006: 6)

۲-۲. رسانه

هر چند در ارتباط با رسانه و تأثیر آن در بزه‌دیدگی و ترس از جرم، تحقیقاتی انجام شده است؛ اما پژوهشی در مورد تأثیر استفاده از رسانه در ترس از جرایم اینترنتی صورت نگرفته است. به همین منظور برای سنجش میزان بزه‌دیدگی و ترس از جرم، لازم دانستیم رسانه را نیز مد نظر قرار دهیم. البته همان‌گونه که می‌دانیم، این موضوع نیز ارتباط تنگاتنگی با سبک زندگی افراد دارد. در واقع، چگونگی استفاده از رسانه و میزان توجه به آن نیز جزئی از مدل زندگی اشخاص است. بنابراین با مورد لحاظ قرار دادن رسانه، از نظریه اصلی، یعنی سبک زندگی و فعالیت‌های روزمره دور نخواهیم شد. قابل ذکر است که با توجه به تحقیقات و پژوهش‌های گوناگونی که در رابطه با رسانه انجام شده است، شکی وجود ندارد که رسانه‌ها در ساخت تصویر ذهنی از واقعیت‌های اجتماعی مؤثرند (احمدی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱). توضیح آن‌که، رسانه‌ها بیش از آن‌که واقعیت را نشان دهند، برآند تا روی موضوعاتی متمرکز شوند که حساسیت‌برانگیزی بالایی دارند. شیوه گزارش از جرایم در رسانه‌ها هم‌اکنون به گونه‌ای در آمده است که عمدتاً موضوعات احساسی و هیجان‌انگیز را انتقال می‌دهد، زیرا هدف جذب مخاطب است. (همان: ۳ به بعد). در واقع، رسانه‌ها با انعکاس اخباری ویژه، نگرش و دیدگاه خاصی را به جامعه تحمیل می‌کنند، که داوری آنان را نسبت به جرم و عدالت کیفی دستخوش تغییراتی می‌کند (فرجیها، ۱۳۸۵: ۵۸). بنابراین، می‌توان گفت رسانه‌ها بر اساس شماری از معیارهای خاص که تعیین‌کننده «ارزش خبری» است، اخبار را تولید و ارائه می‌کنند؛ معیارهایی همچون، درجه اهمیت، میزان خطرناکی، جنسیت و قرابت فرهنگی از اصلی‌ترین فاکتورهای اخبار جنایی هستند (همان، ۶۴ به بعد). بدین‌سان باید گفت در نظر گرفتن تأثیر رسانه‌ها در میزان سنجش ترس از جرایم یکی از مهم‌ترین متغیرها می‌باشد.

۲-۳. پلیس

دیدگاه‌های بنیادین در مورد ترس از جرم، بر این باور بودند که کاهش جرم باعث کاهش ترس از جرم می‌شود. در همین راستا بر این مطلب تأکید دارند که تمرکز پلیس بیشتر می‌بایست بر روی کاهش آمار جرایم باشد. اما نگرش‌های نوین در این باره، آنچه را که با اهمیت تلقی می‌کنند، با رویکردهای سابق متفاوت است. از نظر این گروه، شیوه و چگونگی برخورد پلیس با شهروندان و رویت‌پذیری از مهم‌ترین راهکارهای پلیسی‌گری برای کاهش ترس از جرم

است (کوردنر، ۱۳۹۰: ۵۱). در هر حال، آنچه که غیرقابل انکار است، تأثیر پلیس و کارایی آن در ترس از جرم می‌باشد. این موضوع، در پژوهش‌های جنایی و جامعه‌شناختی که هدف آنان سنجش ترس از جرم بوده، مورد توجه قرار گرفته است. (Dowler, 2003: 111) یافته‌های چنین تحقیقاتی حاکی از آن است که فاکتورهایی همچون گشت پلیس، روئیت‌پذیری، واکنش سریع، ارتباط پلیس با شهروندان، اعتماد عمومی به پلیس و... در میزان ترس از جرم شهروندان موثر است. اما در وهله اول به نظر می‌رسد اکثر این فاکتورها در فضای واقعی و حقیقی کارایی دارند. زیرا مواردی همچون گشت پلیس و روئیت‌پذیری، به دلیل ویژگی‌های خاص فضای مجازی، نمی‌تواند در تحقیق ما موضوعیت داشته باشد. اما به عقیده نگارنده این امر نمی‌تواند صحیح باشد. زیرا از یک-سو همین فاکتورها امروزه با فضای سایبر تطبیق داده شده و بکار گرفته می‌شوند. از سوی دیگر، نگرش کلی افراد نسبت به توانایی پلیس در تعقیب و پیشگیری از جرم در فضای سایبر در میزان ترس از این نوع جرایم مؤثر است. به همین سبب در پژوهش حاضر این مقیاس نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۴-۲. تجربه بزه دیدگی

تحقیقات نشان می‌دهد ارتباط میان تجربه بزه‌دیدگی و ترس از جرم مبهم است. از یک سو برخی پژوهش‌ها ادعا دارند که اشخاصی که دارای تجربه بزه‌دیدگی می‌باشند، بیشتر از جرم می‌ترسند. به عنوان مثال، لیسکا (Liska) و وارنر (Varner) با توجه به یافته‌های مطالعاتشان در سال ۱۹۹۱، به این نتیجه رسیدند: از آن‌جایی که تجربه بزه‌دیدگی تأثیری منفی بر افراد و تعاملات اجتماعی می‌گذارد، فرصت‌های ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. در واقع ترس از بزه‌دیدگی مکرر دلیل این امر است. (Alshalan, 2006:41) از سوی دیگر برخی مطالعات ارتباط معناداری را میان ترس از جرم و تجربه بزه‌دیدگی نیافته‌اند (سیدزاده، ۱۳۸۷: ۳۶۸). در هر حال شکی نیست که سابقه بزه‌دیدگی یکی از مهم‌ترین مقیاس‌های سنجش ترس از جرم است.

قابل ذکر است چهار گروه اصلی که عمدتاً در معرض بزه‌دیدگی جرایم رایانه‌ای قرار دارند، جوانان، سالمندان، مؤسسه‌های مالی و سازمان‌های دولتی و دانشگاهی می‌باشند (مک‌کوآد، ۱۳۹۴: ۳۵۶). البته برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عمدتاً زنان و سالمندان ترس بیشتری از جرم و بزه‌دیده‌شدن دارند، این در حالی است که احتمال بزه‌دیدگی

مردان جوان بیش‌تر است (لان، ۱۳۹۴: ۵۶۳). به عبارت دیگر، بر طبق دیدگاه اخیر ترس از جرم ارتباط آن‌چنانی با سابقه بزه‌دیدگی ندارد. با این وجود، همان‌گونه که آمد، تحقیقات در این زمینه متفاوت است. اما آنچه که مشخصه اصلی قربانیان در فضای مجازی بیان شده است، نتیجه رفتار معمولی کاربران اینترنتی می‌باشد و حاکی از آن است که مردم در فضای سایبر چیزهایی می‌گویند و رفتارهایی را انجام می‌دهند که در روابط مستقیم و فیزیکی خود آن چیزها را نمی‌گویند و انجام نمی‌دهند. در واقع، در شرایط آنلاین مردم احساس محدودیت کمتری دارند و آنها خودشان را نسبت به روابط واقعی، علنی‌تر نشان می‌دهند. این پدیده در حال حاضر آن‌قدر گسترده است که به نام اثر عدم بازداری آنلاین نامیده شده است. همچنین، وسعت زیاد آن باعث شده تا از گرایش به سمت جنون مجازی صحبت شود. یعنی زمانی که مردم تحت فشار زندگی آنلاین هستند، با توجه به شرایط گمنامی این حوزه و تقویت برخی ابعاد شخصیتی آنان، رفتارهایی صورت می‌گیرد که در فضای حقیقی جرأت گفتن یا انجام آن وجود ندارد. (agustina, 2015: 42) اما نکته مهمی که نباید از آن غافل شد آن است که اکثر پژوهش‌های در مورد ترس از جرم، که «تجربه بزه‌دیدگی» را مورد آزمایش قرار داده‌اند، صرفاً به ارتباط سابقه بزه‌دیدگی و ترس از جرم به طور کلی اشاره کرده‌اند. در صورتی که آنچه لازم است دقیقاً به آن پرداخته شود، این است که ارتباط میان انواع بزه‌دیدگی و ترس از هر دسته از جرایم به طور خاص بررسی شود. به عنوان مثال، برخی از افراد که بزه‌دیدگی مزاحمت تلفنی یا سرقت از منزل شده‌اند، ممکن است از تنها ماندن در منزل بترسند؛ اما در مکان‌های عمومی احساس آرامش کنند. بالعکس افرادی که در خیابان مورد ضرب و جرح و یا کیف‌زنی قرار گرفته‌اند، در منزل هیچ ترسی به خود راه نمی‌دهند (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ۱۶۹). بنابراین اگر در مطالعات ترس از جرم، ترس از نوع خاصی از جرایم مد نظر قرار گیرد، نتایج تحقیقات دقیق‌تر است. بدین سان، در پژوهش حاضر تجربه بزه‌دیدگی و میزان ترس از جرم فقط در ارتباط با فضای سایبر مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۵-۲. خطر درک شده (Perceived risk)

ارائه هرگونه معیار معنادار برای سنجش میزان ترس از جرم، به شناخت مفهوم آن بستگی دارد. با توجه به اینکه، ترس یک احساس نسبت به جرم یا نشانه‌های مرتبط با آن است، از این رو، سنجش میزان آن نیز کوششی برای اندازه‌گیری احساس در چارچوب جرم است. ابزارهایی که

به سنجش میزان ترس از جرم می‌پردازند، بر اندازه‌گیری خطر، امنیت و تهدید تمرکز دارند (چادی، ۱۳۹۴: ۵۶۷). در همین راستا فرارو یکی از محققان مؤثر در زمینه ارزیابی ترس از جرم، بر این نکته تأکید می‌کند که ابزارهای سنجش ترس از جرم باید نوع احساسات پاسخ‌دهندگان را ثبت کنند. همچنین وقایع مرتبط با ترس از جرم را در زندگی افراد ارزیابی کنند و به سنجش ترس از جرایم خاص و نه ترس از جرم به طور کلی بپردازند (همان: ۵۶۸). اما تحقیقات جدیدتر، بر این نکته تأکید دارند که برای سنجش میزان ترس از جرم، هم باید بُعد شناختی (ادراک خطر) و هم جنبه احساسی (ترسیدن) مد نظر قرار گیرد (همان). در واقع، در رویکردهای جدید، علاوه بر سنجش احساس، نگرش معرفتی افراد را نیز در نظر خواهند گرفت. این در حالی است که در پژوهش‌های مربوط به ترس از جرم در کشورمان تاکنون از متغیر «خطر درک‌شده»، که به سنجش شناخت و معرفت افراد در مورد ترس از جرم می‌پردازد، به صراحت نامی برده نشده است. اما با این وجود ماهیتاً از آن استفاده شده است.

خطر درک‌شده را این‌گونه تعریف کرده‌اند: ارزیابی اشخاص از میزان نرخ جرایم و به تبع آن ارزیابی احتمال بزه دیدگی. (Alshalan, 2006:34) البته قابل ذکر است که بسیاری از تحقیقات با وجود سنجش خطر درک‌شده، آن را به عنوان میزان ترس از جرم حساب کرده‌اند. در صورتی که خطر درک‌شده لزوماً به معنای وجود ترس از جرم نیست. تفاوت مهم بین ترس از جرم و خطر درک‌شده آن است که، ترس از جرم یک واکنش احساسی است، اما خطر درک‌شده یک ارزیابی و قضاوت معرفتی می‌باشد؛ یک برآورد ذهنی از میزان بزه‌دیدگی که مسلماً سبک زندگی اشخاص در این ارزیابی مؤثر است. (Ibid) به بیان دیگر، خطر درک‌شده همان تجربه غیرمستقیم بزه‌دیدگی است. تجربه غیرمستقیم به همه روش‌هایی، غیر از تجربه مستقیم جرم اشاره دارد که افرادی با توجه به آن، نگرش‌ها و ادراک خود را درباره جرم شکل می‌دهند. این روش‌ها هم شامل مواردی می‌شود که خانواده و دوستان متحمل بزه‌دیدگی می‌شوند و یا این‌که روایت‌هایی را در ارتباط با جرم نقل می‌کنند. همچنین مباحثی را که افراد در روزنامه‌ها، تلویزیون و اینترنت دنبال می‌کنند، در نگرش آنان بسیار مؤثر است.^۹ در مجموع، نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که افرادی که با مباحث مربوط به جرم در همسایگی محل زندگی خود درگیر می‌شوند، ترس بالاتری از

^۹ قابل ذکر است که پرسشنامه ما برای تحقیق حاضر در متغیر خطر درک‌شده فقط سوالات مربوط به بزه‌دیدگی دوستان و خانواده را مطرح کرده است. موارد دیگر همچون رسانه به صورت جداگانه مطرح شده است.

بزه‌دیده شدن دارند (می، ۱۳۹۴: ۵۵۹). با این وجود، همان‌گونه که آمد، درک خطر توسط افراد، الزاماً به معنای ترس از جرم آنان نیست. به عبارت دیگر ممکن است اشخاصی از وجود خطر بزه‌دیگی در اطراف خود آگاه شوند، اما واکنش احساسی (ترس) نسبت به آن نداشته باشند. در هر حال، در تحقیقات امروزی در ارتباط با ترس از جرم، یکی از مهم‌ترین مقیاس‌ها، سنجش خطر درک‌شده می‌باشد.

۲-۶. متغیرهای جمعیت شناختی

قریب به اتفاق پژوهش‌هایی که به سنجش میزان ترس از جرم پرداخته‌اند، متغیرهای جمعیت‌شناختی را مد نظر قرار داده‌اند. در واقع، این متغیرها جزء جدانشدنی تحقیقات میدانی در زمینه ترس از جرم هستند. در ادامه به طور مختصر به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

الف: جنسیت

یکی از مهم‌ترین عوامل شناخته شده در میزان ترس از جرم، جنسیت است. هر چند میزان بزه‌دیدگی زنان از مردان کمتر است، اما تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که ترس از جرم در میان زنان بیش از مردان است (سیدزاده: ۱۳۸۷: ۳۶۵). توجیهات متعددی برای سطح بالای ترس از جرم زنان ارائه شده است. یک توضیح آن است که زنان از آسیب‌پذیری فیزیکی و اجتماعی بیشتری نسبت به مردان برخوردارند. در واقع، این توجیه بر این بنیان استوار است که زنان به گونه‌ای اجتماعی شده‌اند که خود را ضعیف‌تر از مردان می‌دانند؛ بنابراین همین تفکر، سطح بیش‌تری از ترس از جرم را تجربه می‌کنند. توجیه دیگر آن است که اکثر تحقیقات مربوط به ترس از جرم، از پرسشنامه‌های خوداظهاری برا سنجش میزان ترس استفاده می‌کنند و با توجه به آن که زنان معمولاً ترس خود را راحت‌تر ابراز می‌کنند، نتایج پژوهش‌ها حاکی از افزایش ترس از جرم زنان می‌باشد. این در حالی است که مردان، ابراز ترس از جرم را نشانه ناتوانی می‌دانند و بنابراین در پاسخ‌دهی به سوالات خوداظهاری با احتیاط عمل می‌کنند (می، ۱۳۹۴: ۵۵۷). در ارتباط با واکنش‌های نسبت به ترس از جرم، باید گفت این امر با توجه به جنسیت افراد، متنوع و متعدد است. مردان معمولاً رفتارهای دفاعی، همچون نصب سامانه‌های امنیتی را انجام می‌دهند. از سوی دیگر، زنان عمدتاً رفتارهای اجتنابی و فعالیت‌های محدود کننده مانند دوری از رفتارهای پرخطر را در دستور کار قرار می‌دهند (همان: ۵۶۱).

البته پژوهش‌های انجام شده، عموماً ترس از جرم را در محیط واقعی مورد سنجش قرار داده‌اند و می‌توان گفت که به نوعی اتفاق نظر حاصل شده است که در این محیط، زنان ترس از جرم بیشتری نسبت به مردان دارند. (Pain, 2001: 903) اما در مطالعه حاضر، هر چند بنا به سابق ما فرضیه را بر اینکه ترس زنان بیش از مردان است، قرار داده‌ایم، اما ممکن است نتایج تحقیق در فضای مجازی همانند یافته‌ها در محیط واقعی و حقیقی نباشد.

ب: سن

تأثیر متغیر سن بر میزان ترس از جرم در پژوهش‌های سابق بسیار پیچیده و ابهام‌برانگیز بوده است. توضیح آن‌که محققان با توجه به نتایج به دست آمده، دلایل متنوع و گوناگونی را برای ترس افراد مسن یا جوان ارائه کرده‌اند (سیدزاده و کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). البته آنچه که غیرقابل انکار است، این نکته می‌باشد که نوجوانان در معرض بسیاری از آسیب‌های اینترنتی قرار دارند. زیرا استفاده از شبکه‌های اجتماعی در این سن به اوج خود می‌رسد. اکنون بسیاری از نوجوانان برای بازی، سرگرمی، دوست‌یابی و... در فضای مجازی حضور دارند. این فضا، محیط ایده‌آلی را برای مجرمان فراهم کرده است تا از ضعف نفس نوجوانان سوءاستفاده کرده و آنان را طعمه خود قرار دهند. در مجموع، در ارتباط با کاربران فضای سایبری، با توجه به پژوهشی که در سال ۲۰۰۳ میلادی صورت گرفته است، رده سنی کاربران اینترنت، عمدتاً نوجوانان و جوانان ۱۶ تا ۲۴ ساله را شامل می‌شد (توکل و کاظم‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۰). آمار پلیس فتا پیرامون میانگین سنی متهمان جرایم سایبری در بازه زمانی سال ۹۰ تا ۹۱ نشان می‌دهد که ۷۷/۶ درصد متهمان دارای میانگین سنی ۱۷-۳۵ می‌باشد (ابوذری، ۱۳۹۱).^{۲۰} بنابراین می‌توان گفت که این گروه بیشتر در معرض بزه‌دیدگی اینترنتی می‌باشند. از سوی دیگر، بزه‌دیدگی افراد مسن به دلایلی همچون، محافظه‌کاری و انزوای اجتماعی کمتر است، اما ترس از جرم آن‌ها نیز بالاست. در مورد جرایم اینترنتی، نیز با توجه به آنکه افراد مسن توانایی کمتری در تطبیق خود با تحولات و فناوری‌های نوین دارند، به نظر می‌رسد، ترس از جرم آنان بیشتر باشد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

^{۲۰} به نقل از محمدکوره‌پز و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۷

^{۲۱} به نقل از محمدکوره‌پز و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۷

ج: تحصیلات

پژوهش‌های سابق عمدتاً حاکی از آن می‌باشند که افراد با سطح تحصیلات پایین‌تر، ترس از جرم بیشتری را تجربه کرده اند. (Zhoa et al, 2015:34) شاید بتوان گفت این موضوع به دلیل آن است که افراد دارای سطح تحصیلات بالاتر، درآمد بیشتری نیز دارند و همین موضوع باعث می‌شود تا امکانات بیشتری در اختیار داشته باشند و از موقعیت‌های پرخطر پرهیز کنند. مثلاً در ناحیه‌هایی از شهر زندگی می‌کنند که از نظر اقتصادی و اجتماعی وضعیت مساعدی داشته باشد و از خطرات کمتری برخوردار باشد (سیدزاده و کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۳۰). به فرض صحت این فرضیه، به نظر می‌رسد در جرایم اینترنتی این موضوع نمی‌تواند مطلقاً صحیح باشد. زیرا در جرایم اینترنتی متغیر مکان (نواحی بالا شهر یا پایین شهر) عملاً حذف می‌شود. زیرا عموماً فضای سایبر فارغ از محیط واقعی مورد توجه قرار می‌گیرد و نامشخص بودن و بی‌هویت‌ی از خصیصه‌های این نوع محیط است. البته بعید نیست کسانی که سطح تحصیلات بالاتری دارند، از مهارت‌های اینترنتی بیشتری برخوردار و در نتیجه ترس کمتری داشته باشند. در هر حال استفاده از مقیاس تحصیلات در سنجش ترس از جرم در فضای سایبر می‌تواند کارایی داشته باشد.

۳. روش تحقیق**۳-۱. جامعه آماری و حجم نمونه**

جامعه آماری این پژوهش، تمامی کاربران اینترنتی شهر سمنان می‌باشند. با توجه به عدم آمار دقیق از کاربران اینترنتی حجم نمونه را با توجه به جمعیت افراد شهر سمنان محاسبه کردیم. بنا به سرشماری سال ۱۳۹۰ که توسط مرکز ملی آمار منتشر شده است، جمعیت سمنان برابر با ۱۵۳۶۸۰ نفر می‌باشد. با توجه به این جامعه آماری، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با خطای ۵ درصد برابر با ۳۸۳ می‌باشد. البته قابل ذکر است که از این تعداد، داده‌های ۳۶۸ پرسشنامه کامل وارد نرم‌افزار شد.

۳-۲. شیوه نمونه گیری

یکی از عوامل تعیین‌کننده کیفیت و دقت طرح پیمایشی، انتخاب نمونه مناسب است. در همین راستا، از مؤلفه‌های مهم در تعیین نمونه، طراحی فرایندی است که بتواند انتخاب

تصادفی پاسخگویان را تنظیم کند (شجاعی، ۱۳۹۱: ۷۴). بدین‌سان، در پژوهش حاضر، روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای (multistage sampling) انتخاب شده است. این روش با توجه به مؤلفه‌های جامعه آماری مورد نظر (شهر سمنان)، مانند وسعت و پراکندگی، برای تحقیق حاضر مناسب می‌باشد. در این شیوه، در مرحله اول ابتدا با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای (stratified sampling) مناطق مختلف شهر به ناحیه‌هایی تقسیم می‌شوند. سپس از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای (cluster sampling) استفاده می‌شود. بدین صورت که ناحیه‌های مشخص شده به عنوان خوشه در نظر گرفته می‌شوند. پس از آن در مرحله سوم، از خوشه‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (simple random sampling) نمونه آماری انتخاب می‌شود و در مرحله آخر برای تنوع در افراد نمونه، انتخاب افراد بوسیله محقق صورت می‌گیرد (سیدزاده و کرمانی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

۳-۳. ابزار گردآوری اطلاعات

در پژوهش حاضر، چارچوب نظری پژوهش از طریق روش اسنادی (Documentary Method) تهیه شده است. همچنین اطلاعاتی که این تحقیق بر مبنای آن انجام یافته، از روش پیمایشی (Survey Method) و با ابزار پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است.

۳-۴. روایی و پایایی ابزار سنجش

روایی (validity) پرسشنامه این پژوهش از روش اعتبار صوری که نتیجه موافقت اساتید بر روایی روش‌های اندازه‌گیری می‌باشد، حاصل شده است. برای بررسی پایایی (reliability) شاخص‌های سنجش در پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. محاسبه آلفای کرونباخ از متداول‌ترین و در عین حال قابل اعتمادترین راهکارها برای بررسی پایایی (قابلیت اطمینان) می‌باشد (شجاعی، ۱۳۹۱: ۸۷). در تحقیق حاضر برای سنجش میزان استفاده از اینترنت از ۸ گویه استفاده شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مواردی همچون استفاده از اینترنت برای خرید کالاهای مورد نیاز، پرداخت قبض، خرید بلیط، کارهای بانکی و... اشاره کرد. همچنین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین و چرایی استفاده و مدت زمان آن نیز مورد سنجش قرار گرفت. تجربه بزه‌دیدگی با دو گویه مبنی بر بزه‌دیدگی در جرایم مالی و بزه‌دیدگی در جرایم حیثیتی (نظیر انتشار

عکس‌های خصوصی در فضای مجازی) سنجیده شد. استفاده از رسانه با چهار گویه که نشان‌دهنده میزان تأثیرپذیری کاربران از رسانه‌های تصویری و نوشتاری بود، مورد ارزیابی قرار گرفت. ترس از جرم با سه گویه مهم (دو گویه مرتبط با میزان نگرانی از فریب خوردن توسط کلاهبرداران در جرایم مالی و یک گویه نگرانی از انتشار عکس‌های خصوصی) مورد سنجش قرار گرفت. خطر درک شده به عنوان یکی از متغیرهای بسیار مهم که در تحقیقات پیشین، بویژه در پژوهش‌های انجام شده در کشورمان به ندرت مورد استفاده قرار گرفته بود، با سه گویه (آیا افرادی از دوستان و آشنایان شما از طریق اینترنت و یا شبکه‌های اجتماعی توسط کلاهبرداران فریب خورده است؟ آیا کسی را می‌شناسید که عکس‌های خصوصی وی در فضای اینترنت منتشر شده باشد؟ به نظر شما میزان خطرناکی مجرمان اینترنتی همچون مجرمان فضای واقعی می‌باشد؟) ارزیابی شد. رفتارهای پرخطر اینترنتی با ۶ گویه مورد سنجش قرار گرفت. از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی همچون، ذخیره کرده اطلاعات شخصی نظیر آدرس منزل و محل تحصیلات، علایق و سلیقه‌های شخصی و قرار دادن عکس‌های خصوصی در پروفایل خود در شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد. همچنین رفتارهایی همچون لایک کردن (علاقه‌مندی) و چت کردن (گفت‌وگو) با افراد غریبه، پذیرفتن پیشنهادات دوستی افرادی که از قبل برای کاربر شناخته شده نیستند و فرستادن عکس‌های خصوصی برای دیگران در فضای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی از دیگر مواردی بود که برای سنجش و ارزیابی میزان رفتارهای پرخطر اینترنتی بکارگرفته شد. جدول زیر میزان آلفای کرونباخ برای هر یک از متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد.

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی	۸	۰/۶۸۵
تجربه بزه‌دیدگی	۲	۰/۸۷۴
استفاده از رسانه	۴	۰/۶۱۵
ترس از جرم	۳	۰/۷۹۵
خطر درک شده	۳	۰/۵۰۶
رفتارهای پر خطر در فضای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی	۶	۰/۷۷۱

۵-۳. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده شده است. همچنین برای آزمون رابطه معناداری میان سایر متغیرها با متغیر ترس از جرم، از تست کای دو Chi-Square (Test) و مشخصاً، آزمون استقلال (Test of independence) استفاده شده است. بر طبق این آزمون، پژوهشگر بدنبال آزمودن وابستگی و ارتباط (Association) بین دو متغیر است. نکته مهم در این نوع از آزمون آن است که ما اولاً با دو متغیر سروکار داریم و ثانیاً آنکه وابستگی بین دو متغیر و یا به عبارتی استقلال (Independence) بین دو متغیر را می‌آزماییم.^{۲۲} در این پژوهش، سه آزمون کای دو پیرسون (Pearson Chi-Square)، نسبت درست نمایی (Likelihood Ratio) و در برخی موارد، آزمون دقیق فیشر Fisher's Exact (Test) برای بررسی استقلال، مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین قابل ذکر است که گاهی اوقات بنا به دلایلی مانند حجم بالای محاسبات، از طریق آزمون استقلال، قادر به بررسی ارتباط متغیرها نبودیم. در چنین مواردی، در پژوهش حاضر، از آزمون همبستگی که شامل دو آماره پیرسون (Pearson's R) و اسپیرمن (Spearman Correlation) می‌باشد، به منظور بررسی ارتباط خطی متغیرها استفاده کرده ایم.

۴. یافته ها

۴-۱. سیمای پاسخ گویان

توصیف افرادی که به پرسش‌نامه‌ی پژوهش پاسخ داده‌اند، کمک می‌کند تا خواننده درک بهتری نسبت به تحقیق انجام‌شده و یافته‌های آن داشته باشد. بدین‌سان در نوشتار حاضر سعی شده است تا با نشان دادن سیمای پاسخ‌گویان و برخی خصیصه‌های آنان، به تحقق مطلوب‌تر این امر کمک نماید. از میان پرسش‌شوندگان تحقیق حاضر، ۵۸,۴ درصد از زن و ۴۱,۶ مرد بوده‌اند.

بازه سنی جامعه آماری بین ۱۸ تا ۶۰ سال می‌باشد که ۳۷ درصد از آنان ۱۸ تا ۲۵ ساله، ۴۶,۷ درصد ۲۵ تا ۳۵ ساله، ۱۰,۳ درصد ۳۵ تا ۴۵ ساله و ۶ درصد هم ۴۵ ساله تا ۶۰ سال می‌باشند. همچنین میزان افراد متأهل ۲۰۷ نفر (۵۶,۳ درصد)، مجرد ۱۵۱ نفر (۴۱ درصد)، افراد جدا شده از همسر ۷ نفر (۱,۹ درصد) و ۴ نفر هم (۰,۸ درصد) نیز همسر خود را از دست داده‌اند.

در رابطه با شغل افراد مورد تحقیق، قابل ذکر است که ۱۵۱ نفر (۴۱ درصد) کار آزاد؛ ۷۳ نفر (۱۹,۸ درصد) دانشجو یا دانش آموز، ۶۶ نفر (۱۷,۹ درصد) مستخدم دولت، ۳۸ نفر (۱۰,۳) خانه‌دار، ۲۷ نفر (۷,۳ درصد) جویای کار، ۹ نفر (۲,۴ درصد) بازنشسته و ۴ نفر (۱,۱ درصد) در سایر مشاغل بودند. میزان تحصیلات نمونه آماری نیز به این ترتیب است که ۱۹ نفر سیکل (۵,۲ درصد)، ۱۴۹ نفر دیپلم (۴۰,۵ درصد)، ۱۷۳ نفر فوق دیپلم و لیسانس (۴۷ درصد) و ۲۷ نفر کارشناسی ارشد و دکتری (۷,۳ درصد) می‌باشند.

تعداد افراد خانواده‌های پرسش‌شونده‌ها به این شکل بود که ۱۳۱ نفر (۳۵,۶ درصد)، در خانواده‌های ۴ نفره، ۱۱۹ نفر (۳۲,۳ درصد) در خانواده سه نفره، ۴۸ نفر (۱۳ درصد) در خانواده ۵ نفره، ۴۴ نفر (۱۲ درصد) در خانواده ۲ نفره، ۱۷ نفر (۴,۶ درصد) در خانواده ۶ نفره، و بقیه در خانواده ۷ نفره زندگی می‌کردند. بیشترین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، مربوط به شبکه تلگرام می‌باشد. به عبارت دیگر، ۶۰,۶ درصد از پرسش‌شوندگان از تلگرام، ۲۴,۴ درصد از اینستاگرام، (از این تعداد ۲۳,۹ درصد هم از تلگرام و هم از اینستاگرام) استفاده می‌کردند. بقیه از سایر شبکه‌های اجتماعی همچون فیسبوک، واتس‌آپ، وایبر و ... استفاده می‌کردند. درصد مدت‌زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی به این ترتیب بود که ۴,۶ درصد

کمتر از یک ماه، ۶ درصد سه تا ۶ ماه، ۱۶,۳ درصد ۶ تا یک سال، ۲۷,۴ درصد یک تا دو سال، ۲۵,۸ درصد ۲ تا ۳ سال و ۱۹,۹ درصد بیشتر از سه سال بود که از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کردند.

۲-۴. ارتباط ترس از جرم و متغیرهای جمعیت شناختی

در این قسمت مطابق با هدف اصلی مقاله، به بررسی رابطه میان سایر متغیرها و ترس از جرایم اینترنتی می‌پردازیم. همانگونه که در قسمت روش تحقیق آمد، برای ارزیابی رابطه معناداری میان سایر متغیرها با متغیر ترس از جرم، از تست کای دو^۳ و مشخصاً، آزمون استقلال استفاده خواهیم کرد. بر طبق این آزمون، به سنجش وابستگی و یا ارتباط میان دو متغیر خواهیم پرداخت. نکته مهم در این نوع از آزمون آن است که ما اولاً با دو متغیر سروکار داریم و ثانیاً آنکه وابستگی بین دو متغیر و یا به عبارت دیگر استقلال (Independence) بین دو متغیر را می‌آزماییم.^۴ بر طبق این آزمون، در صورتی که سطح معناداری کمتر از پنج صدم باشد، فرض استقلال دو متغیر رد می‌شود. بدین معنا که میان دو متغیر مورد نظر، وابستگی وجود دارد. در ادامه ابتدا جدول مورد نظر که یافته‌های حاصل از نرم‌افزار در آن قید شده است، نمایش داده می‌شود و سپس به توضیح آن خواهیم پرداخت.

جدول: الف

سن	تأهل و مجرد	میزان تحصیلات	جنسیت	آزمون استقلال	آماره ها
۰,۰۸۶	۰,۸۶۹	۰,۷۹۳	۰,۰۰۰	بر اساس کای دوی پیرسون	سطح معناداری
۰,۹۳۷	۰,۸۸۱	۰,۶۵۶	۰,۰۰۰	بر اساس نسبت درست نمایی ^{۳۵}	
۳۶۸	۳۶۸	۳۶۸	۳۶۸		تعداد

الف: جنسیت و ترس از جرم

در ارتباط با جنسیت و ترس از جرم، همان‌طور که در جدول بالا مشخص شده است، سطح معناداری، در هر دو آزمون کمتر از پنج صدم است و این امر نشان دهنده وابستگی دو متغیر است. بنابراین، بر طبق این نوشتار، میان جنسیت و ترس از جرایم اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به جدول زیر که میانگین ترس از جرم را به تفکیک میان زنان و مردان در جرایم مالی و حیثیتی نشان خواهد داد، قادر خواهیم تا این رابطه معناداری را بهتر درک کنیم.

جنسیت	ترس از جرایم مالی	ترس از جرایم حیثیتی
زن	۲,۶۵۱۲	۲,۹۳۹۵
مرد	۳,۲۰۲۶	۳,۲۴۱۸
مجموع	۲,۸۸۰۴	۳,۰۶۵۲

همانگونه که مطابق جدول بالا می‌بینیم، ترس از جرایم مردان، از مابین مقیاس ۱ تا ۵ (لیکرت)، در جرایم مالی (ترس از ربایش پول از طریق فضای سایبر)، مساوی است با ۳,۲۰۲۶ در حالی که در زنان مساوی است با ۲,۶۵۱۲؛ همچنین در جرایم حیثیتی (ترس از انتشار عکس خصوصی) ترس از جرم مردان، ۳,۲۴۱۸ و ترس از جرم زنان، ۲,۹۳۹۵ می‌باشد. بنابراین، برخلاف بسیاری از تحقیقات، بویژه تحقیقاتی که به سنجش ترس از جرم در فضای واقعی پرداخته اند، در پژوهش حاضر ترس از جرم مردان به نسبت بیشتر از زنان می‌باشد.

ب: میزان تحصیلات و ترس از جرم

با توجه به یافته‌های نرم‌افزار که در جدول الف موجود است، دو متغیر میزان تحصیلات و ترس از جرم، مستقل از یکدیگرند. زیرا سطح معناداری مشخص شده از پنج صدم تجاوز کرده است. پس، این دو متغیر تأثیری بر یکدیگر ندارند.

ج: تأهل - تجرد و ترس از جرم

بنا به جدول الف و آزمون استقلال، برای دو متغیر ترس از جرم و تأهل-تجرد، رابطه معنادار وجود ندارد و دو متغیر از یکدیگر مستقل‌اند. بدین‌سان باید گفت که بر اساس این پژوهش مجرد و یا متأهل بودن تأثیری بر میزان ترس از جرم افراد در فضای سایبر ندارد.

د: سن و ترس از جرم

در مورد ارتباط میان ترس از جرم و سن، جدول الف حاکی از آن است که میان این دو متغیر رابطه‌ی مستقل وجود دارد. بنابراین بر یکدیگر تأثیری ندارند. این در حالی است که در ترس از جرایم فضای واقعی، تحقیقات سابق نشان داده بودند که افراد مسن ترس بیشتری نسبت به سایرین دارند. اما در ترس از جرایم اینترنتی، این فرضیه اثبات نشد.

۳-۴: ارتباط ترس از جرم و سایر متغیرها**جدول ب**

آماره ها	آزمون استقلال	بزه دیدگی	خطر درک شده	رسانه	اعتماد به پلیس
سطح معناداری	بر اساس کای دوی پیرسون	۰,۰۰۰	۰,۰۳۶	۰,۲۳۳	۰,۰۰۰
	بر اساس نسبت درست نمایی	۰,۷۱۵	۰,۸۶۲	۰,۵۰۵	۰,۷۱۵
تعداد		۳۶۸	۳۶۸	۳۶۸	۳۶۸

قبل از بررسی رابطه ترس از جرم و متغیرهای اصلی (سبک زندگی در فضای مجازی)، مناسب است تا رابطه سایر متغیرها سنجیده شود. ابتدا در مورد ارتباط سابقه بزه‌دیدگی در فضای مجازی (اعم از جرایم مالی و حیثیتی) و ترس از جرایم اینترنتی باید گفت که بر طبق خروجی نرم‌افزار مطابق با جدول ب، دو p مقدار (p -value) مشخص شده (سطح معناداری)، یکی کمتر از پنج صدم و دیگری بیش از $۰,۰۵$ است. بنابراین نمی‌توان به صورت دقیق مطرح کرد که رابطه معنادار می‌باشد یا خیر. در مورد تأثیر خطر درک‌شده بر ترس از جرم در فضای مجازی، نیز بر اساس آزمون استقلال در جدول ب، نمی‌توان تصمیم قطعی گرفت که استقلال دو متغیر رد یا پذیرفته می‌شود. زیرا میزان p مقدار (p -value) (سطح معناداری) در یک آزمون کمتر از

پنج صدم و در دیگری بیش از این مقدار است. برای درک بهتر خواننده از قضیه ورد بحث، میانگین خطر درک شده و میانگین ترس از جرم را با هم مقایسه می‌کنیم؛ البته این قیاس نمی‌تواند رابطه معناداری را اثبات و یا رد کند، به همین منظور ما نمی‌توانیم در ارتباط با سطح معناداری نتیجه‌ای بگیریم. بنابراین، ذکر میانگین فقط برای درک بهتر خواننده از میزان خطر درک شده و میزان ترس از جرم است. میانگین خطر در شده با توجه به جدول زیر، از مابین ۱ تا ۵، مساوی با ۲,۲۱۰۴ می‌باشد. در حالی که میانگین ترس از جرم با توجه به جدول زیر، از مابین ۱ تا ۵، ۳,۰۵۲۵ می‌باشد. با توجه به آنچه آمد، هر چند میانگین خطر درک شده کمتر از حد متوسط می‌باشد، اما میزان میانگین ترس از جرم، بر اساس مقیاس لیکرت، از حد وسط بیشتر است. البته، همان‌طور که گفتیم این امر به معنای وجود ارتباط معنادار میان این دو متغیر نیست، بلکه ممکن است میزان بالا بودن ترس از جرم ناشی از متغیرهای دیگری باشد. در ارتباط با میزان تأثیرگذاری رسانه بر ترس از جرم در فضای رایانه‌ای مطابق با خروجی نرم‌افزار، میزان p مقدار (p-value) (سطح معناداری) بیشتر از پنج صدم است، پس فرض استقلال رد نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت که میان رسانه و ترس از جرم اینترنتی، ارتباط معناداری وجود ندارد. اما در مورد ارتباط میان اعتماد به پلیس در برخورد با جرم اینترنتی و پیشگیری از آن از یک سو و ترس از این نوع از جرم از سوی دیگر، بنا بر جدول ب، یکی از مقدارهای (p-value) به دست آمده، بیشتر از ۵ صدم و دیگری کمتر از آن می‌باشد. بنابراین نمی‌توان در مورد ارتباط معنادار میان متغیرها به طور قطعی صحبت کرد. در اینجا نیز همچون برخی متغیرهای دیگر، میانگین اعتماد به پلیس و میانگین ترس از جرم برای درک بهتر موضوع ذکر می‌شود. نکته قابل ذکر در ارتباط با میانگین حاضر آن است که در اینجا مقیاس لیکرت برعکس موارد دیگر که مابین ۱ تا ۵ بود، از ۱ تا ۵ در نظر گرفته شد. بنابراین در اینجا هر چه میانگین ما به ۱ نزدیکتر باشد، اعتماد به پلیس بیشتر است.

2.3288	میانگین اعتماد به پلیس بر اساس مقیاس لیکرت
۳۶۸	تعداد

مطابق با جدول بالا، میزان اعتماد به پلیس در مجموع بالاست. اما میانگین ترس از جرم، همانگونه که قبل از این نیز آمد، مانند سایر میانگین‌ها در پژوهش حاضر مابین ۱ تا ۵ است و هر چه بالاتر باشد، ترس از جرم بیشتر است.

۳,۰۵۲۵	میانگین ترس از جرم بر اساس مقیاس لیکرت
۳۶۸	تعداد

۴-۴: ترس از جرم و سبک زندگی

تعیین ارتباط میان ترس از جرم و سبک زندگی در فضای سایبر هدف اصلی نوشتار حاضر می باشد. سبک زندگی در قالب سه متغیر، یعنی رفتارهای پرخطر اینترنتی، استفاده از اینترنت برای کارهای روزمره و مدت زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مشخص شده است. در ادامه رابطه میان این متغیرها و ترس از جرم را نشان خواهیم داد.

جدول ج

آماره ها	آزمون استقلال	رفتارهای پرخطر اینترنتی	اینترنت برای کارهای روزمره
سطح معناداری	بر اساس کای دوی پیرسون	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
	بر اساس آزمون دقیق فیشر ^{۲۶}	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
تعداد	۳۶۸	۳۶۸	۳۶۸

ارتباط میان رفتارهای پرخطر اینترنتی و ترس از جرم و همچنین میان میزان استفاده از اینترنت برای کارهای روزمره و ترس از جرم در فضای مجازی بر اساس خروجی نرم‌افزار مطابق با جدول ج است: با توجه به آماره آزمون کای دو پیرسون و آزمون دقیق فیشر و p مقدار (-p)

value) که کمتر از پنج صدم است، می‌توان گفت فرض استقلال این دو متغیر رد می‌شود. بنابراین میان انجام رفتارهای پرخطر اینترنتی و ترس از جرم، رابطه معناداری وجود دارد. بدین‌سان باید گفت یکی از فرضیه‌های مهم ما تأیید شده است. امری که قابلیت پیش‌بینی آن نیز بسیار بالا بود. بدین‌سان می‌توان گفت انجام چنین فعالیت‌های پرخطری در فضای سایبر، علاوه بر افزایش میزان بزه‌دیدگی افراد، در ترس از جرم آن‌ها نیز مؤثر است. به همین دلیل است که پلیس فتا بر اجتناب از چنین رفتارهایی تأکید دارد.^۷ تأثیر میزان استفاده از اینترنت بر ترس از جرم در فضای سایبر نیز در جدول ج مشخص شده است. با توجه به آماره‌های آزمون استقلال و آزمون دقیق فیشر، می‌بینیم که فرض استقلال به شدت رد می‌شود و ارتباط معناداری میان میزان استفاده از اینترنت برای کارهای روزمره و ترس از جرم وجود دارد. بنابراین یکی دیگر از فرضیه‌های اصلی تحقیق ما، مبنی بر این که میزان استفاده از اینترنت با ترس از جرم در فضای مجازی ارتباط معناداری دارد، تأیید می‌شود.

در ارتباط با تأثیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر ترس از جرم اینترنتی، مطابق با جدول زیر:

آماره‌ها	آزمون استقلال	مدت زمان استفاده
سطح معناداری	بر اساس کای دوی پیرسون	۰,۰۰۲
	بر اساس نسبت درست نمایی	۰,۰۰۰
تعداد		۳۶۸

^۷ . به عنوان مثال رک: <http://www.cyberpolice.ir/news/83391> ؛ همچنین رک: روضه ای منصور و همکاران، (۱۳۹۶)، ابزارهای پیشگیری از جرم نوظهور در فضای مجازی، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۰، ص ۱۸.

با توجه به جدول آزمون استقلال (جدول بالا) می‌توان گفت این دومتغیر به هم وابسته‌اند. بنابراین میان مدت زمان استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و ترس از جرایم اینترنتی رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به این نتیجه نیز باید گفت که فرضیه مهم تحقیق ما، یعنی وجود ارتباط میان سبک و مدل زندگی و ترس از جرایم در فضای مجازی، تأیید شده است. زیرا متغیر اخیر نیز این مورد را اثبات می‌کند.

نتیجه گیری

آنچه که از نظر خواننده گرامی گذشت، تلاشی بود برای بررسی تأثیر سبک زندگی کاربران فضای سایبر در شهر سمنان بر میزان ترس از جرم آنان. البته همان‌گونه که آمد، تنها به متغیرهایی که ارتباط مستقیم با سبک زندگی دارند، اکتفا نشده است. در مجموع با توجه با مطالب و آزمون‌ها انجام شده، نتایج زیر به دست آمده است:

- میان سبک زندگی و فعالیت‌های روزانه در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی (میزان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، انجام رفتارهای پرخطر اینترنتی شامل: چت کردن با افراد غریبه، پذیرفتن دوستی افرادی که از قبل آن‌ها را نمی‌شناسیم، ارسال عکس‌های خصوصی و...؛ مدت زمان استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی) رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اصلی نوشتار حاضر تأیید شد. زیرا مبنای اصلی این تحقیق برای ارزیابی تأثیرگذاری سبک زندگی افراد در میزان ترس از جرم آنان بود. با این وجود، برای تقویت کار، متغیرهای دیگری نیز مورد استفاد قرار گرفت که به طور خلاصه به نتایج آن‌ها اشاره خواهیم کرد.
- رابطه معناداری میان تجربه بزه‌دیدگی سایبری و ترس از جرایم اینترنتی مشاهده نشد.
- بر طبق تحقیق حاضر، میان میزان استفاده از رسانه و ترس از جرم، رابطه معناداری وجود ندارد.
- در رابطه اعتماد به کارایی پلیس در فضای سایبر و ترس از جرایم اینترنتی نیز رابطه معناداری مشاهده نشد.
- در موضوع خطر درک شده و ارتباط آن با ترس از جرم، نتوانستیم به نتیجه قطعی در این امر که آیا میان متغیر اخیر و ترس از جرم رابطه معنادار وجود دارد یا خیر، دست یابیم.

- در ارتباط با متغیرهای جمعیت شناختی باید گفت، به استثنای جنسیت (که رابطه معناداری را با ترس از جرم داشت و برخلاف تحقیقاتی که به سنجش ترس از جرم در محیط واقعی پرداخته‌اند، ترس از جرم مردان بیش از ترس از جرم زنان در فضای سایبر بود)، در سایر موارد (سن؛ سطح تحصیلات؛ تاهل و مجرد) رابطه معناداری با ترس از جرم وجود نداشت.

با توجه به نتایج به دست آمده آشکار است که هر چقدر سبک زندگی و فعالیت‌های روزانه افراد خواه در بُعد مثبت، مانند استفاده از اینترنت برای انجام فعالیت‌های شغلی و خانوادگی و خواه در بُعد منفی، مانند انجام رفتارهای پرخطر اینترنتی، بیشتر باشد، ترس از جرم کاربران بیش‌تر است. در ارتباط با جنبه منفی استفاده از فضای سایبر، مسلماً افراد نیازمند راهنمایی و آموزش برای استفاده از اینترنت و آگاهی از معایب و مزایای آن هستند تا میزان استفاده‌ی منفی آنان پایین و در نتیجه ترس از جرم آنان کاهش یابد. در واقع، در جنبه منفی تکلیف متولیان امر روشن است که با آموزش چگونگی استفاده صحیح از محیط مجازی، معضلات و مشکلات در این حوزه را به حداقل برسانند. زیرا این امر هم برای پیشگیری از جرم و هم برای کاهش ترس از جرم می‌تواند مفید واقع شود. البته هر چند در تحقیق حاضر ارتباط میان بزه‌دیدگی سابق و ترس از جرم، معنادار نبود، اما عدم ارتباط آن‌ها را به طور کلی نیز نمی‌توان رد کرد.

اما در جنبه مثبت، از یک سو با توجه به رشد فضای سایبر و وابستگی فعالیت‌های کاری و اجتماعی افراد، غیرقابل‌انکار است که روز به روز استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، دیدیم که استفاده بیشتر رابطه معناداری با ترس از جرم داشت. بنابراین در وهله اول این‌طور به نظر می‌رسد که ترس از جرم، ناگزیر با استفاده بیشتر از فضای سایبر، بوجود خواهد آمد. پس لازمه این نوع فعالیت‌ها، ترس و نگرانی نیز می‌باشد. اما از سوی دیگر، باید به این نکته توجه داشته باشیم که بر طبق پژوهش حاضر، بسیاری از افرادی که فعالیت مثبت آنها در اینترنت بالاست، از فعالیت‌های منفی فضای سایبر نیز به دور نبوده‌اند. بنابراین ترس آن‌ها ممکن است به دلیل جنبه منفی فعالیت‌هایشان باشد. البته غیرقابل ذکر است، با توجه به درون مایه خاص فضای سایبر، شکی وجود ندارد که در برخی فعالیت‌های اینترنتی با وجود صرف فعالیت مثبت، ترس از جرم وجود دارد. مانند جایی که کاربر تمام امور مالی خود را از طریق اینترنت انجام می‌دهد. در این گونه موارد لازم است با ایجاد امنیت در اینترنت و جلب اعتماد افراد، از میزان ترس از جرم آنان کاست. در پایان قابل ذکر است که

نوشتار حاضر، اولین پژوهش در حوزه ترس از جرایم اینترنتی در کشورمان است. بنابراین می تواند سرآغازی برای تحقیقات آتی باشد و همچنین تا حدی خلأ پژوهشی در این حوزه را رفع نماید.



فهرست منابع

۱. احمدی، حبیب؛ عربی، علی؛ (۱۳۹۲)، رابطه بین ساختار محله‌ای و ترس از جرم (مورد مطالعه: شهر کرج)، فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال پنجم، شماره اول.
۲. احمدی، حبیب؛ عربی، علی؛ حکیمی‌نیا، بهزاد؛ (۱۳۹۲)، بررسی رابطه مصرف رسانه‌ای و ترس از جرم (مورد مطالعه: شهر کرج)، مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال سوم، شماره هفتم.
۳. پاک‌نهاد، امیر، (۱۳۹۲)، احساس ناامنی و ترس از جرم؛ آموزه‌های حقوق کیفری، شماره پنجم.
۴. پورنقدی، بهزاد، (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی کاربرد اینترنت و تهدیدات فضای مجازی، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی سمنان، دوره دوم، شماره سوم.
۵. جلالی، محمدمهدی، (۱۳۹۵)، شبکه‌های اجتماعی، نشر دانشگاه صنعتی شاهرود، چاپ اول.
۶. چادی، درک، (۱۳۹۴)، سنجش میزان ترس از جرم، ترجمه مهدی صبوری پور، در: دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم؛ نشر میزان با همکاری معاونت پلیس کاربردی نیروی انتظامی، چاپ اول.
۷. روضه‌ای، منصور و همکاران، (۱۳۹۶)، ابزارهای پیش‌گیری از جرایم نوظهور در فضای مجازی، فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۰.
۸. زرخ، احسان، (۱۳۸۹)، بزه‌دیده‌شناسی سایبری، مجله مجلس و پژوهش، سال ۱۷، شماره ۶۴.
۹. زینالی، حمزه، (۱۳۸۸)، اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آن‌ها، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳.
۱۰. سراج‌زاده، سیدحسین؛ گیلانی، اشرف؛ (۱۳۸۸)، بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم (مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم.
۱۱. سیدزاده ثانی، سید مهدی، (۱۳۸۷)، ترس از بزه‌دیدگی مکرر، در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیش‌گیری از جرم، پیش‌گیری از تکرار جرم و بزه‌دیدگی، نشر دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.
۱۲. سیدزاده ثانی، سید مهدی؛ کرمانی، سعید؛ (۱۳۹۲)، ترس از جرم در مشهد: میزان و عوامل؛ پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم.

۱۳. شجاعی، مینا، (۱۳۹۱)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت زائران در پیشگیری وضعی از جرم در منطقه ثامن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۴. فارال، استفن؛ جکسون، جاناتان؛ گری، امیلی؛ (۱۳۹۲)، نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر، ترجمه حمید رضا نیکوکار، نشر میزان، چاپ اول.
۱۵. فرجیها، محمد، (۱۳۸۵)، بازتاب رسانه‌ای جرم، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم شماره ۲۲.
۱۶. کوردنر، گری، (۱۳۹۰)، کاهش ترس از جرم، ترجمه اسماعیل حسنونند و احسان حسنونند، نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول.
۱۷. عبدالملکی، احمد و همکاران، (۱۳۹۶)، تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم در شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۱.
۱۸. لان، جودی، (۱۳۹۴)، آثار ترس از جرم در سطوح فردی و اجتماعی، ترجمه مهدی صبوری پور در: دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم؛ نشر میزان با همکاری معاونت پلیس کاربردی نیروی انتظامی، چاپ اول.
۱۹. محمد کوره‌پز، حسین؛ میرخلیلی، محمود؛ توجهی، عبدالعلی؛ بهره‌مند، حمید؛ (۱۳۹۳)، نیمرخ جرم‌شناختی بزه‌کاران سایبری، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره نهم.
۲۰. مک‌کواد، ساموئل، (۱۳۹۴)، جرایم فضای مجازی و اینترنت، ترجمه فاطمه قناد، در: دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم؛ نشر میزان با همکاری معاونت پلیس کاربردی نیروی انتظامی، چاپ اول.
۲۱. می، دیوید، (۱۳۹۴)، ترس از جرم، ترجمه مهدی صبوری پور، در: دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیش‌گیری از جرم؛ نشر میزان با همکاری معاونت پلیس کاربردی نیروی انتظامی، چاپ اول.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، دیباچه در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید؛ دانشنامه جرم‌شناسی، نشر کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۰)، از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی، دیباچه در: جرم‌شناسی نوشته ژرژ پیکا، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، نشر میزان، چاپ دوم.

۲۴. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱)، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، دانشگاه

شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری پور، بازبینی مجید صادق نژاد نایینی.

۲۵. والک لیت، ساندر، (1386)، شناخت جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، نشر

میزان، چاپ اول.

۲۶. هنسون، بیلی، (۱۳۹۴)، مزاحمت در فضای مجازی، ترجمه فاطمه قناد، در: دانشنامه بزه-

دیدگاه‌شناسی و پیش‌گیری از جرم؛ نشر میزان با همکاری معاونت پلیس کاربردی نیروی

انتظامی، چاپ اول.

27. Agustina, Jose R. (2015) "Understanding Cyber Victimization :Digital Architectures and the Disinhibition Effect." *International Journal of Cyber Criminology* 9.1: 35.
28. Alshalan, A. (2006). Cyber-crime fear and victimization: An analysis of a national survey. ProQuest.
29. Bernik, Igor. "Internet Study: Cyber Threats and Cybercrime Awareness and Fear." *International Journal of Cyber Warfare and Terrorism (IJCWT)* 2.3 (2012): 1-11.
30. Cohen, L. E., & Felson, M. (1979). Social change and crime rate trends: A routine activity approach. *American sociological review*, 588-608.
31. Dowler, K. (2003). Media consumption and public attitudes toward crime and justice: The relationship between fear of crime, punitive attitudes, and perceived police effectiveness. *Journal of criminal justice and popular culture*, 10(2), 109-126.
32. Henson, Billy, (2011),. Fear of crime online: Examining the effects of online victimization and perceived risk on fear of cyberstalking victimization. Diss. University of Cincinnati .
33. LaGrange, R. L., & Ferraro, K. F. (1987). The Elderly's Fear of Crime A Critical Examination of the Research. *Research on aging*, 9(3), 372-391.
34. Pain, R. (2001). Gender, race, age and fear in the city. *Urban studies*, 38(5-6), 899-913.
35. Reyns, B. W., Henson, B., & Fisher, B. S. (2011). Being pursued online applying cyberlifestyle –routine activities theory to cyberstalking victimization. *Criminal justice and behavior*, 38(11), 1149-1169.
36. Wall, D. S. (2008). Cybercrime and the culture of fear: Social science fiction (s) and the production of knowledge about cybercrime. *Information, Communication & Society*, 11(6), 861-884.